

تنها از آیات و روایات استفاده می‌کرد.

یک بار روی منبر، برادر شاه وارد مجلس شد و مردم جا باز کردند. آقای راشد از همان بالای منبر به مردم نهیب زد که از جای خود تکان نخورید؛ زیرا مدیر مجلس منم. اینجا خانه خداست و همه با هم مساوی هستند. برادر شاه همان‌جا نشست و رفت.

فلسفه دانشگاه تهران در دست ایشان بوده است. دکتر محقق، دکتر سجادی، دکتر بهبهانی و دکتر ابراهیم آیتی (که تاریخ عاشورا را نوشته است)، همه شاگردان فلسفه آقای راشد بودند. بعد از خودش، فلسفه را به شهید مطهری واگذار کرد.

#### ۲. فنّ خطابه از نگاه اسلام و قرآن

**آیات قرآنی واهمیت تبلیغ**

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ (سوره فصلت، آیه ۳۳).

نکته اول این است که هر خطیبی داعی به سوی خداوند است و مردم و نفوس آماده را به سمت خداوند دعوت می‌کند.

نکته دیگری که باید به آن اشاره می‌کردم، نعمت بیان است. در میان مواهب پروردگار عالم، یکی از بهترین آنها، هنر سخن و زبان است. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿الرَّحْمَنُ \* عَلَّمَ الْقُرْآنَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ \* عَلَّمَهُ الْقَبِیْآنَ﴾ (سوره الرحمن، آیات ۴–).

آقای فلسفی رضوان‌الله‌تعالی علیه بارها این حدیث را می‌خواند که:

«الإنسان فضيلتان: عقل ومنطق، فبالعقل يستفيد وبالمنطق يفيد» «میران الحکمه، جلد ۳، صفحه ۲۷۳۴).

یعنی انسان از عقل استفاده می‌کند و معلومات و مجهولات را کشف می‌کند و اسرار عالم را می‌فهمد، معارف و علوم را درک می‌کند و با منطق بیان می‌کند. هر

چیزی چهار نحوه وجود دارد: «وجود لفظی، عینی، ذهنی، خارجی». انسان می‌تواند با اشراق و الهام، مافی‌الضمیر خود را به دیگران بفهماند، با کنایت و تصویر نیز می‌تواند، کار سخت و مشکلی است؛ اما آسان‌ترین روش برای فهماندن مافی‌الضمیر به دیگران، قدرت زبان است. چنان‌که آمده است:

«إِنَّ مِنَ الْبَغْرِ لِحَكْمَةً وَإِنَّ مِنَ النَّبِیِّانِ لَبِشْرًا»؛ یعنی واقعاً بعضی از بیان‌ها، بیان سحرآمیز است و تأثیر زیادی در دل‌ها و جان‌ها دارد.

**سخنان پیامبر اسلامﷺ درباره تبلیغ**

در اهمیت تبلیغ از نگاه قرآن و روایات مطالب زیادی داریم. پیامبر گرامی اسلامﷺ در عظمت و ارزش جایگاه تبلیغ به امام علی﷓ فرمود:
«بَا عَلِیُّ لَأَنْ تَهْدِیَ إِلَیَّ بَلَّ رَجُلًا خِیْرٌ مِنْ مَا ظَلَمْتُ بِهِ الشُّشُ» (منیه‌المردی فی آدب المفید والمستفید، ج۱، ص۱۹). اگر خدا به دست تو یک نفر را هدایت کند و از ضلالت به راه برساند، بهتر است از تمام آنچه که منظومه شمسی بر آن تابش کرده و از آن برتر است.

رأس‌المحدثین، مرحوم صدوق (که در سن ۱۸ سالگی در بغداد کرسی تدریس داشت و تمام علما و دانشمندان اهل تسنن در پای درس او حاضر می‌شدند و ۳۰۰ جلد کتاب نوشته است)، کتابی به‌نام «معانی‌الأخبار» دارد. در این کتاب، از عبدالسلام هروی (اباصلت) نقل شده است که امام رضا﷓ فرموده است:

«رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَخْبَا أَهْرَبًا، قُلْتُ لَهُ: فَكَيْفَ يُخْبِي أَهْرَبُكُمْ؟ قَالَ: يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ؛ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَخَابِیْرَ كَلِمَاتِنَا لَأَتَّبَعُونَا» (معانی‌الأخبار، ص ۱۱۸)؛ رحمت و رضوان خدا بر بنده‌ای که امر ما را زنده کند. منظور از «امر» به نظر من، امر ولایت است؛ یعنی کسی که امر ولایت ما را زنده کند و در خنایت و دفاع از مکتب اهل‌بیتﷺ اقدام کند، خدا او را رحمت کند. سؤال شد: چگونه امر شما را زنده کنیم؟ حضرت فرمودند: «يَتَعَلَّمُونَ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُونَ النَّاسَ»؛ یعنی علوم ما را یاد بگیرید و به مردم آموزش دهید. «إِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَخَابِیْرَ كَلِمَاتِنَا لَأَتَّبَعُونَا»؛ یعنی اگر مردم زیبایی سخن ما را بشنوند، ما را تبعیت می‌کنند. مراد از «امر» در اینجا، رهبری و حکومت بر مردم است. حضرت فرمودند: «لَوْ عَلِمُوا مَخَابِیْرَ كَلِمَاتِنَا لَأَتَّبَعُونَا»؛ یعنی مردم سبک زندگی را همسان با ائمه طاهرینﷺ و آنها را اسوه زندگی خود قرار می‌دهند. سقف نهایی معرفت، قرآن و عزت طاهره پیامبر اسلامﷺ هستند.

واقعاً هر مبلغی باید قدر خود را بداند که چنین جایگاه بلند و مرتبه عالی در پیشگاه پروردگار عالم دارد.

گفتگو و تنظیم: حمید کریمی



## تاریخچه و ابعاد فن خطابه در اسلام

## بررسی تأثیر و ویژگی‌های مبلغان موفق

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین یحیی صادقی مازندرانی

به‌تدریج نزول می‌کند؛ اما تنها خطیبی که از ابتدا تا انتها در اوج باقی ماند، فلسفی بود؛ یعنی بالاتر از تمام خطبای زمان خودش. برادرش، میرزاعلی فلسفی، در خراسان از اساتید و مراجع تقلید بود؛ هرچند رساله‌ای نداشت.

حجت‌الاسلام والمسلمین فلسفی، یکی از نخستین کسانی بود که موضوعاتی مانند وراثت را در منبر مطرح کرد. امروزه اصل وراثت به‌عنوان یک حقیقت شناخته شده است و ویژگی‌های ژنتیکی از والدین به فرزندان منتقل می‌شود که این عوامل در شکل‌گیری شخصیت انسان تأثیرگذار هستند. مرحوم فلسفی اولین کسی بود که این مباحث را با توجه به علم روز مطرح کرد. او همچنین نخستین کسی بود که مفاهیم عدالت اجتماعی، اقتصادی و قضا را با استفاده از احادیث معتبر به بحث گذاشت. او از ابن‌نوفل نقل می‌کرد: «مَنْ لَمْ يَتَدَحَّ الْعُقْلُ وَلَمْ يَذُمَّ جُورًا فَقَدْ تَأَوَّزَ الْإِلَهِ فِي الْمَخَازِیَةِ»؛ کسی که عقل را مدح نکند و از ظلم انتقاد نکند، با خدا در حال جنگ است. در دوران خود، آقای فلسفی به مسائل اجتماعی پرداخته و نقدهایی به دولت‌مردان عصر خود داشت. به‌طور کلی، تا پنج قرن آینده نیز، شخصیتی به عظمت آقای فلسفی نخواهیم دید. خدا می‌داند که چقدر زمان باید بگذرد، تا شخصی به بزرگی فلسفی ظهور کند.

تمام علمای شیعه کتاب‌هایی درباره معادشناسی دارند، مانند آیت‌الله‌العظمی مکارم، آیت‌الله‌العظمی سبحانی، میرزا حسین نوری و علامه تهرانی که ده جلدی منتشر کرده‌اند؛ اما آقای فلسفی سه جلد کتاب معادشناسی دارد که در نوع خود بی‌نظیر است. هنر ایشان در این بود که به احادیث کاملاً آشنا بود و هیچ روایتی را از قلم نینداخته بود. وی در اسلام و فهم احادیث تخصص داشت و توانایی ویژه‌ای در مقایسه مکاتب غربی، از جمله مکاتب اجتماعی و تربیتی، با اسلام داشت و برتری اسلام بر آنها را اثبات می‌کرد.

همه از منبر آقای فلسفی بهره‌مند می‌شدند؛ عالم و جاهل، زن و مرد، مبتدی و پیشرفته، هیچ‌کس از پای منبر او دست خالی نمی‌رفت. آقای فلسفی به‌عنوان شبه‌معجزه‌ای در تاریخ به‌شمار می‌رود. اگر قیاس صحیح باشد، عبدالباسط نیز شبه‌معجزه است. مرحوم کافی‌رضوت؟ در روضه صاحب مکتب بود و فلسفی در روضه و متن و محتوا، شبه‌معجزه تاریخ بوده است؛ به‌قدری که حادثه کربلا را زیبا تجسم می‌کرد، گویی خود در سال ۶۱ هجری در کربلا حضور داشته و در میدان بوده است.

**ج)استادعظیم‌الشان حضرت آیت‌الله وحیدخراسانی**
آقای دکتر مهدی محقق، فرزند محدث خراسانی و استاد فلسفه و ادبیات عرب و رئیس انجمن مفاخر آثار

فرهنگی، در توصیف پدر خود می‌گوید: پدرم یکی از خطبای برجسته در زمان رضا شاه بود و چنان بر کتب احادیث مسلط بود که مردم خراسان معتقد بودند اگر رضا شاه محدث خراسانی را از بین ببرد یا او را زندانی کند، اسلام به خطر خواهد افتاد. حتی گفته می‌شد که اگر کتب اربعه را به دریا بریزند، محدث خراسانی توانایی دارد تمامی آن‌ها را از حفظ بازنویسی کند. به همین دلیل رضا شاه او را از مشهد به تهران تبعید کرد.

محقق در ادامه می‌گوید: در دوران اقامت پدرم در تهران، من با حضرت آیت‌الله وحید خراسانی دوستی داشتم و ایشان به احترام پدرم برای من درس حکمت می‌گفت.

او ادامه می‌دهد: در آن زمان، خطبای بزرگی مانند سید علی، که مجتهد مسلم و از خطبای برجسته اصفهان بود، و محمد تقی اشراقی پدر داماد که مجتهد بود و منبر می‌رفت) و شیخ عبدالله صبوچی را درک کردم. اما در همان دوران، حضرت آیت‌الله وحید خراسانی به عرصه منبر آمد و آثار بزرگی در سیمای او دیده می‌شد. او چنان محققانه و پرقدرت سخن می‌گفت که فضای مجلس را به شدت تحت تأثیر قرار می‌داد و به معنای واقعی کلمه، تجسم این شعر بود:

تَرَى الْجَسَدَ الضَّعِیْفَ کَأَنَّ صَوْتَ لَخِیْهِ أَخْرَفَ
وَحَلِیْمٌ إِذَا تَخَالَفُوا كَفُّوا سَجْدَیْهِ وَالْحَقُّ مُتَّفَقٌ
او در سخنرانی‌های خود چنان به اوج می‌رسید که شنوندگان را مسحور می‌کرد. در علم بلاغت نیز بیان می‌شود که تشبیهاتی چون «زید کالأسد فی الشجاعه» پایین‌ترین سطح تشبیه است. این نوع تشبیه برای مخاطبان ضعیف در درک به‌کار می‌رود. مرتبه بالاتر، حذف وجه شبه است، مانند «زید أسد». و اوج بلاغت زمانی است که بدون تشبیه مستقیم، استعاره‌ای پیچیده به‌کار رود، مانند تعبیر قرآنی ﴿إِنَّ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ کَرِیْمٌ﴾ که زان مصری درباره حضرت یوسفﷺ به‌کار بردند.

یکی از نمونه‌های بلاغت شعر نیز بیان چنین تصویری است:

قَامَتْ تَطَلَّلْنِی مِنَ الشَّمْسِی
نَفْسٌ أَعْرَى عَلَیِّ مِنْ نَفْسِی
قَامَتْ تَطَلَّلْنِی وَمِنْ عَجَبٍ
شَمْسٌ تَطَلَّلْنِی مِنَ الشَّمْسِی
این شاعر محبوب خود را به آفتاب تشبیه نکرده، بلکه او را آفتاب می‌نامد و از آن تعجب می‌کند که چگونه آفتاب سایه می‌اندازد.

دکتر محقق به عنوان یکی از شاهدان اصلی دوران نوجوانی‌اش، به تأثیرات آیت‌الله وحید خراسانی اشاره می‌کند و او را به عنوان یکی از خطبای برجسته‌ای معرفی می‌کند که آثار بزرگی در چهره و ناصیه‌اش نمایان بود.

در دیدار مدیران حوزه‌های علمیه خواهران و جامعه‌المصطفی العالمیه تبیین شد

### حوزه‌های علمیه خواهران از توسعه آموزشی تا نقش‌آفرینی‌های متعدد

حجت‌الاسلام والمسلمین فاضل افروز: بعد از سه دهه،

مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران بر یک بلوغ کامل رسیده است، بعد از برنامه چشم‌اندازی که توسط شورای سیاست‌گذاری حوزه‌های علمیه خواهران ترسیم شد، ایفای نقش در اموری که مربوط به بانوان است به‌ویژه مسائل علمی به خود بانوان واگذار شد.

وی مطرح کرد: امروزه می‌توانم با جدیت اعلام کنم که نزدیک به ۹۸درصد از اساتید حوزه علمیه خواهران در سطح دو، بانوان‌اند و در موارد محدود و نادری ممکن است از اساتید برجسته برادر مانند ائمه جمعه محترم استفاده شده باشد.

خطابه و فنون تبلیغ همواره نقش کلیدی در انتقال معارف دینی و اجتماعی ایفا کرده‌اند. در تاریخ اسلام، خطابه نه‌تنها به‌عنوان ابزاری برای بیان حقایق دینی شناخته شده؛ بلکه به‌عنوان وسیله‌ای مهم برای تربیت و هدایت جامعه نیز مورد توجه قرار گرفته است. از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل‌بیت علیهم‌السلام تا عصر معاصر، خطبا و مبلغان با بهره‌گیری از روش‌ها و فنون گوناگون، تلاش کرده‌اند تا معارف اسلامی را منتشر کرده و جامعه را به سوی نورانیت اسلام هدایت کنند.

در این راستا، رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بر اهمیت و تأثیر خطابه و فنون تبلیغ تأکید کرده‌اند. ایشان معتقدند که تبلیغ صحیح و مؤثر، نه‌تنها به نشر معارف اسلامی کمک می‌کند؛ بلکه می‌تواند نقش مهمی در ایجاد تحول در جامعه و هدایت نسل‌های آینده ایفا کند. به‌باور ایشان، تبلیغ باید با دقت و با بهره‌گیری از اصول و قواعد اسلامی انجام شود تا بتواند، تأثیرات مثبت و سازنده‌ای در جامعه بگذارد.

حجت‌الاسلام والمسلمین یحیی صادقی، استاد برجسته سطح عالی حوزه، در تحلیل تاریخچه و ابعاد فن خطابه در اسلام، به بررسی ویژگی‌های مبلغان موفق پرداخته است. ایشان با مرور مهم‌ترین خطبای اسلامی از دوران صدر اسلام تا معاصر، ویژگی‌های بارز مبلغان تأثیرگذار را تحلیل کرده و به بررسی دلایل موفقیت آنان در عرصه تبلیغ پرداخته است. استاد صادقی تأکید دارد که فهم دقیق از فنون خطابه و شناخت نیازهای جامعه، کلید موفقیت در تبلیغ و هدایت مخاطبان است.

این نوشتار به بررسی تاریخچه فن خطابه و تحولات آن در دوران‌های مختلف می‌پردازد و سپس به تحلیل ویژگی‌ها و تجارب خطبای معاصر و موفق، خواهد پرداخت. در پایان، اهمیت تبلیغ و ویژگی‌های یک مبلغ موفق از منظر اسلام و قرآن، با توجه به تأکیدات رهبر انقلاب و تحلیل‌های استاد صادقی، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این بررسی‌ها نه-تنها برای شناخت نیازهای جامعه، فن خطابه در اسلام اهمیت دارد؛ بلکه می‌تواند راه‌گشای کسانی باشد که در عرصه تبلیغ دین و هدایت جامعه فعالیت می‌کنند.

##### • مقدمه

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ (فصلت، ۳۳)

بحث در مقوله خطابه و وعظ و تبلیغ است. قبل از ورود به اصل سخن، چند مقدمه کوتاه را تقدیم می‌کنیم.

##### ۱. تاریخچه فن خطابه

این فن به روزگار ارسطو برمی‌گردد. ۲۵۰۰ سال قبل یکی از صناعات خمس، فن خطابه بوده است. (جدل، خطابه، شعر، برهان، فن خطابه) از آنجا که خطابه روی سخن با عامه مردم دارد، کاربرد زیادی دارد. مرحوم محقق سبزواری در لیالی منتظمه در قسمت منطق اسم آن را (ریطوریکا به زبان یونانی) خوانده است.

##### خطبای دوران اسلامی

اما در زمان اسلام و در تمدن اسلامی، تأکیدات و نصوص و روایات فراوانی، در مورد امر تبلیغ وجود دارد و خطبای بسیاری ظهور کرده‌اند؛ مانند خطیب قزوینی، خطیب تبریزی، خطیب شیرازی و خطیب بغداد (مورخ معروف). هرکدام از این خطبا، جامع علوم عصر خود بودند. فن خطابه به‌صورت سلسله‌وار ادامه داشته تا به دوران معاصر رسید. (البته در گذشته، خطبا جامع تمام علوم عقلی و منقول بودند که این بحث جداگانه‌ای است.)

##### خطبای معاصر

«أَحَبُّ الصَّالِحِينَ وَلَسْتُ مِثْلَهُ»؛ (من صالحان را دوست دارم و خود از آنان نیستم). هرچند اینجانب لیاقت آن را ندارم که در زمره خطبا باشیم؛ اما خطبا و مبلغان دینی را دوست دارم؛ چراکه اینها سفرای میان خدا و خلق هستند.

##### الف) محمد رضانو غانی خراسانی

ایشان خدای سخن بود؛ اما متأسفانه جزء خطبای درباره به حساب می‌آمد. تولیت حرم امام رضاﷺ تحت نظارت محمد رضا پهلوی خبیث بود و وی سالی دویار به خراسان می‌رفت. علما، از جمله مرحوم میلانی، به استقبال او نمی‌رفتند؛ اما برخی از علما به حضور شاه می‌رفتند و وی در آنجا سخنرانی می‌کرد.

امام علی﷓ در نهج البلاغه می‌فرماید:

«إِنَّا لَأَهْرَاءُ الْكَلَامِ وَفِينَا تَنْتَشِبُ عُرُوفُهُ وَعَلَيْنَا تَهَذَّلْتُ عُصُوبُهُ» (خطبه ۲۱۹ نهج‌البلاغه).

وی خطیب زبردستی بود در خلاقیت و پرداختن به مطالب و استاد منبر بود. به نظر من، از بعضی جهات، حتی از آقای فلسفی هم قوی‌تر بود. جناب نوغانی در پروراندن و پرورش مطالب بسیار ماهر بودند.

##### ب) مرحوم محمد تقی فلسفی

زبان گویای امروزی؛ مردم که منبر را در دوران خود متحول کرد. قبل از فلسفی، منبرا نظم و نظام خاصی نداشتند؛ یعنی یک خطیب ممکن بود، در وسط منبر با صدای بلند آواز بخواند؛ تنها به‌دلیل اینکه صدای خوبی داشت؛ اما آقای فلسفی منبر را به‌شکلی نوین تغییر داد.

هر خطیبی یک دوره اوج حدود ۲۰ تا ۳۰ سال دارد و پس از آن

مدیر حوزه‌های علمیه خواهران در دیدار با مدیر و

مستولان جامعه‌المصطفی العالمیه به توسعه آموزشی، پژوهشی، تبلیغ و فرهنگی بانوان در کشور نسبت به سه دهه پس از انقلاب اسلامی اشاره کرد و همچنین از پیشرفت‌های حوزه‌های علمیه خواهران در تحقق آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی و نقش‌آفرینی بانوان در عرصه‌های مختلف سخن گفت.

به گزارش خبرنگاری شبستان به نقل از حوزه‌های علمیه خواهران، حجت‌الاسلام والمسلمین فاضل مدیر حوزه‌های علمیه خواهران و هیأت همراه ۴مهر با حضور در جامعه‌المصطفی العالمیه و در دیدار با حجت‌الاسلام والمسلمین عباسی مدیر و مستولان این مرکز، بیان کرد: قریب به سه دهه بعد از انقلاب اسلامی توسعه آموزشی، پژوهشی، تبلیغ و فرهنگی در کشور نسبت به بانوان رقم خورده است که امروز قریب ۵۰ هزار نفر محصل خواهر، مشغول به‌تحصیل‌اند و بیش از رقم ذکر‌شده خواهر فارغ‌التحصیل در سطوح دو، سه و چهار وجود دارد.